

اخبار و گزارش های کارگری 19 آبان ماه 1402

- بیانیه جمعی از دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه علامه در اعتراض به احکام صادره برای ضیا نبوی و هستی امیری

- ادامه بلا تکلیفی شغلی و معیشتی کارگران آق دره و اذیت آزارشان از طرف کارفرما و قوه قضائیه

*بیانیه جمعی از دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه علامه در اعتراض به احکام صادره برای ضیا نبوی و هستی امیری

دانشگاه نزدیک به ۷۰ سال است که برای استقلال خود مقاومت می‌کند و این ایستادگی در حالی همچنان ادامه دارد که دانشجویان تلاش می‌کنند تا در بزنگاه‌هایی که ساحت نهاد آموزش بیش از پیش به خطر می‌افتد، نظاره‌گر نبوده و کنشگری کنند.

مسمومیت‌های زنجیره‌ای در مدارس دخترانه هم از این جمله بود، مسمومیت‌هایی که همچنان هم اخبارش گاه به گاهی شنیده می‌شود، نشان از اراده‌ای دارد که نه تنها با کسانی که امنیت مدارس دخترانه را مورد مخاطره قرار داده و در فضا رعب و وحشت ایجاد کرده، برخورد نمی‌کند که معترضان به این روند را هم سرکوب می‌کند.

تجمع ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ دانشجویان دانشگاه علامه، در اعتراض به همین روند مسمومیت دانش‌آموزان، منجر به ممنوع الوردی، تعلیق و پرونده‌سازی برای دانشجویان این دانشگاه شد. دانشجویانی که هنوز هم از حضور در صحن دانشگاه و کلاس‌های درس محرومند. اما سرکوب دانشجویان به همین جا متوقف نشد و دو حکم زندان یک ساله را به صورت قطعی، برای ضیا نبوی و هستی امیری به دنبال داشت. این در حالی است که خشونت عریان حراست دانشگاه علامه در این تجمع، نسبت به دانشجویان به گونه‌ای بود که هرکسی را که زمانی در دانشگاه علامه سپری کرده یا اکنون در آن محیط، زیست می‌کند را نگران و آشفته می‌سازد و هشدار نسبت به روندی می‌دهد که بازگشت ناپذیر است.

در همین راستا از همان روزی که نهادهای ضد دانشجویی در دانشگاه با انتشار نامه‌ای، اقدام به اتهام زنی به دانشجویان کردند، بر کسی پوشیده نبود که قصد پرونده‌سازی‌ای گسترده دارند. پرونده‌سازی آنهم برای این دو دانشجویی که در سالیان اخیر تلاش‌های بسیاری در راستای تحقق حقوق بنیادین انسانی چون حق حیات و حق تحصیل کرده‌اند.

اکنون با زنجیره‌ای از انواع سرکوب در دانشگاه مواجهیم، دانشگاه بیش از هر زمان دیگری، نه تنها از آرمانی مانند «استقلال دانشگاه» دور شده است که هر روز وابستگی‌اش به غیر دانشگاهیان هم، روز به روز بیشتر می‌شود. در همین راستا ما جمعی از دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه علامه، همچنان اعلام می‌کنیم که در وضعیتی که از هر سو، تلاش می‌شود تا هر گونه چشم‌اندازی برای تغییر مترقی از بین رود، ما ضمن محکوم نمودن احکام تعلیق و زندان برای دانشجویان، عدالت و

آزادی‌خواهی را همچنان مطالبه کرده و برای تحقق دانشگاهی که از آن دانشجویان باشد، پایداری می‌کنیم.

اسامی امضا کنندگان:

آتنا کامل

آذین فرهادی

آرش خاندل

آیلین بخشایی

احسان رحمانی

احمد عبدالحکیمی

احمد فخیم

افرا حامدزاده

الهه درخشان

امیر محمد درویش پسند

بهار دهقانی

بهاره مختاری

پارمیدا اصیل منش

پانته آ شاهورانی

پرستو بیرانوند

پرینیا حدادی

پرینا اسماعیلی

جواد شقاقی

حسام موذن

حسین الهامی نژاد

حنانه نبوی

درسا رنجبری

رامین مرادی

رضا اسدآبادی

رضا فراهانی

زهرا صفرپور

زهرا علی‌پور

زهرا فیروزی

زهرا کرمی

زهرا یاس معینی

زینب کیامنبرد

سپهر صمدی راد

سارا زارع

سارا نوری

سارینا سیف

سبحان آقایی

سحر اقبالی

سروش بهامی

سروش سیادت

سوگند آقابراری

سپیده صالحی

سید مجتبی پورهاشمی اردکانی

سید پیمان حسینی برزی

سیده زهرا زمانی

شایان محمدی

شبنم مقدسی

شهاب الدین شهسوارزاده

شهاب تقی پور

شهراد نورکجوری

شهرزاد همتی

شکوه افیونی
صابر بابایی
صبا کوشکی
طهمورث امیران
طهورا آدینهوند
عباس تاجیک
علی اسمعیل فراهانی
علی فرزین
علی محمد ابراهیم
علی مومنی طارمسری
علی میرزایی
علی نانوایی
علیرضا چمنزار
علیرضا کاظمی مقدم
فاطمه اسماعیلی مقدم
فاطمه صدقی زاده
فاطمه فیروزی
فاطمه محمود پور
فاطمه مهدوی میقان
فرشته طوسی
فرناز مهرابی
فریبا جعفری
لیلا عراقی
ماهان اقبال
مجید مسافر
محدثه سادات فاطمی
محسن مطلق

محمد امین زندی
محمد عاملی
محمد ناظری
محمد نجفی
محمد نیستانی
محمد چاکری
محمدجواد مستوفی
محمدحسین شعائی
محمدحسین موسوی
مرتضی قنبری
مریم چترچی
مهتا سیدجوادی
مهدی نصرتی
مهدیه گلرو
مهرنگار خادمی
مهسا رضایی
مهسا پیران
مهیار امینی چلک
مینو نوروزی
میلاد موسوی
نگین باقری
نیلوفر حسینی
هادی خورشیدی
هادی نجفی
هستی رسولی

*ادامه پلاتکلیفی شغلی و معیشتی کارگران آق دره و انیت آزارشان از طرف کارفرما و قوه قضائیه

چرا یک مطالبه‌ی شغلی در حیطه‌ی روابط کار تبدیل به یک پرونده‌ی قضایی برای 32 نفر شده و چرا این کارگران هستند که باید تعهد بدهند که دیگر گرد اینجور مسائل نمی‌چرخند؟!

اینجا تمام زندگی می‌لرزد؛ دیوارها ترک برداشته‌اند؛ هر موج انفجار جدید، سقف و دیوارهای کاهگلی و روستایی را می‌لرزاند؛ طلا، سنگ، همه چیز مال «دیگران» است و مردم بومی با همان فقر سنگین سابق، درد محرومیت را تاب می‌آورند.....

«کاش فقط ترک‌های دیوار بود، موج انفجار یک طرف، گرد و خاک آن طرف دیگر؛ از بس گرد و خاک تنفس کرده‌ایم، ریه‌هایمان پر از خاک شده؛ هر انفجار معدن، یک طوفان خاک در روستا به راه می‌اندازد و بچه‌های ما هوای تمیز ندارند.....».

یکی از ساکنان آق‌دره می‌گوید: شکاف و ترک‌های در و دیوار خانه‌هایمان مال قبل است؛ سال‌هاست این مشکل هست؛ اخیراً قدرت انفجارها کمتر شده اما چون هر روز انفجار داریم، گرد و خاک هم هر روز فضای خانه و زندگی‌مان را پُر می‌کند!

ساکنان آق‌دره، سهم خود از معدن طلا و معدن سنگ این منطقه را نزدیک به هیچ توصیف می‌کنند.

در حوالی آق‌دره، یک معدن طلاست، سرشار از پول و ثروتی که از زیر زمین بیرون می‌آید، یک معدن سنگ هم هست؛ اما این روزها بیشتر مردم آق‌دره، درگیر نگرانی‌هایی هستند که از مردادماه به این سو گریبان‌شان را گرفته است: درگیری به خاطر کار، بازداشت، دادگاهی شدن، بیکاری خیلی از جوانان و نان‌آوران، سرگردانی و آوارگی آن‌ها و تعهد و بازخواست از کارگران محلی با این مضمون که دیگر در هیچ اعتراضی شرکت نمی‌کنم!

ماجرای از روزهای اول مردادماه شروع شد، وقتی هفتم مرداد دو نفر از اهالی به معدن سنگ تراورتن برای کار مراجعه می‌کنند. این مراجعه ناکام می‌ماند و مدیران معدن این دو نفر را به بهانه‌ی مزاحمت به پاسگاه معرفی می‌کنند؛ مردم و سایر کارگران معدن سنگ مداخله می‌کنند؛ درگیری بالا می‌گیرد؛ عده‌ای را شبانه و در خانه‌ها بازداشت می‌کنند؛ برای حدود 32 نفر پرونده درست می‌شود؛ دادگاه اول در ماه‌های بعدی -اوایل مهرماه- برگزار می‌شود؛ چند اتهام را از پرونده برمی‌دارند اما همچنان اتهاماتی در پرونده هست و رای نهایی دادگاه هنوز نیامده.

تلاش این مردم برای اثبات اینکه کل ماجرا و درگیری بر سر کار بوده و مدیران معدن بودند که نیروی انتظامی را وارد ماجرا کردند، موجب شد دو اتهام سنگین از جمله اقدام علیه امنیت از پرونده حذف شود؛ این خبر خوبی‌ست، اما غیر از این، همه چیز بوی نگرانی و بیکاری می‌دهد.

یکی دو روز بعد از واقعه‌ی مردادماه، مدیران تصمیم می‌گیرند معدن سنگ را تعطیل کنند؛ این در حالیست که کارگران این معدن حدود چهل نفر، تا آخر شهریور قرارداد موقت داشتند و هر ساله معدن سنگ آق‌دره لااقل تا آخر آذر و فرا رسیدن فصل سرمای سنگین کار می‌کند! حالا بیکاری نه تنها گریبان آن بازداشتی‌ها را گرفته که کل کارگران معدن سنگ بیکار شده‌اند؛ معدن طلا هم برای اینها جایی ندارد؛ بسیاری از آن‌ها برای دستفروشی، قالب‌شویی یا کار سخت ساختمان آواره‌ی شهرهای دور

و نزدیک شده‌اند و از همه جالبتر اینکه بخشی از کارگران آق‌دره مجبور شده‌اند تعهد بدهند؛
تعهدی مبنی بر اینکه دیگر داخل این دست ماجراها نمی‌شوند!

چرا وقتی معدن سنگ را زود هنگام تعطیل کرده‌اند و هنوز بخشی از معوقات مزدی کارگران
پرداخت نشده، کارگران این روستا مجبور به دادن تعهد هستند؟

حرف‌های مردم و کارگران

اول به سراغ کارگران آق‌دره و مردم محلی رفتیم؛ کارگران آق‌دره می‌گویند ما را به نیروی انتظامی
معرفی می‌کنند و از ما تعهد می‌گیرند؛ بعد ما را به اماکن معرفی می‌کنند و یک نامه دستمان می‌دهند
که کارگری فلانی بلامانع است. حدود 18 نفر این تعهد را امضا کرده‌اند.

ظاهراً دو نفر از آن 32 نفر، کارگر معدن طلا بوده‌اند؛ با آن‌ها در روزهای بعد از حادثه، تسویه
حساب کلی کرده‌اند و گفته‌اند بروید دیگر شما را نمی‌خواهیم! هیچ تضمینی نیست که این دو نفر سال
آینده هم به کار گرفته شوند.

مردم می‌گویند «از آن 32 نفر، ده نفر بیکار در خانه‌اند و 22 نفر پخش و پلا شده‌اند؛ تهران و جاهای
دیگر پراکنده هستند؛ دو نفر به سر کار بازگشته‌اند.... اینکه می‌گویند بومی‌ها را سر کار آورده‌ایم،
باید پرسید منظورشان از بومی چیست؛ اگر منظور شهرستان تکاب است، بله؛ ولی اگر منظور همین
روستای خودمان است، مایی که رنج‌ها و آلودگی‌های معدن را تحمل می‌کنیم، آنقدر که باید در معدن
استخدام نشده‌ایم. فقط چیزی حدود 80 نفر از بومی‌های روستا در معدن طلا کار می‌کنند.»

بخش‌هایی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 16 آبان

akhbarkargari2468@gmail.com